

## بوی بوی مولیان\* آورده‌اند که... \* شعر مفضی

📖 اندوه و حسرت نویسنده‌ی «بخارای من، ایل من» از دوری ایل و تبار و ییلاق

و بوی شبدر دوچین و صدای بلدرچین را در درس ۲۰ سال سوم داریم.

گلایه برای از دست دادن یار و دیار و طبیعت بکر و گرفتاری در شهر شلوغ و

بی‌رحم و پر دود

این گلایه‌ها در شعر حیدربابا اثر جاودانه‌ی استاد شهریار بسیار شاعرانه و

عاشقانه دیده می‌شود.

۱- اندوه و حسرت نویسندهی «بخارای من، ایل من» از دوری ایل و تبار و ییلاق و بوی شبدر دوجین و صدای بلدرچین، از مفهوم کدام بیت، دریافت نمی‌شود؟

(۱) امروز خنده طرح به گلزار می‌دهد      آن روز شوم رفت که صائب ملال داشت

(۲) آن عهد یاد باد که از بام و در مرا      هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی

(۳) آن خوشدلی کجا شد، و آن دور کو که ما را      دیدار می‌نمودی هر روز یک دو باری

(۴) اکنون به دام صد غم و صد محنتم اسیر      آن مرغ خوشدلی که تو دیدی پرید و رفت

در گزینه‌های (۲) و (۳) و (۴) شاعر گرفتار غم و ناراحتی است و حسرت روزهای خوب گذشته را می‌خورد، اما در گزینه‌ی (۱) صائب، از طی شدن روزگار بد و آمدن روزگار خوش خرسند است.

۲- عبارت «باید عزیزان و کسانت را ترک گویی و به همان شهر بی‌مهر، به همان دیار بی‌دیار، به همان آسمان دودگرفته بازگردی و در دفتری یا اداره‌ای محبوس و مدفون شوی تا ترقی کنی» با کدام بیت متناسب است؟

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| (۱) طوطی روح تو را سدره نشیمن زبید           | بهر شکر مکنش بسته در این تیره قفس   |
| (۲) تا جهان هست به یاد تو برآریم نفس         | ای دم گرم تو آتش زده در ناکس و کس   |
| (۳) گر تو را هست هنر عیب کسان بازمجوی        | کاندرین ملک چو طاووس به کار است مگس |
| (۴) چون تو را رحلت از این دار فنا در پیش است | جهد کن تا همه نیکی تو گویند ز پس    |

**گزینه ۱ پاسخ است.**

در روی سؤال نویسنده می‌گوید اگر ترقی مادی را بخواهی باید از تمام معنویات (عزیزان، محبت و ...) چشم‌پوشی و به شهر پلید و دودگرفته و بی‌مهر بروی (یعنی در ازای از دست دادن معنویات به مادیات می‌رسی).

در بیت (۱) شاعر به انسان هشدار می‌دهد که جایگاه روح انسان در سدرۃ‌المنتهی (مجازاً در جوار خدا) است و نباید به خاطر مادیات او را گرفتار قفس دنیا کرد.